

نگاهی به تدوین درختواره بلاغی قرآن

محمد امین الهی منش*

maelahimanesh@noornet.net

اشاره

قرآن کریم، به عنوان معجزه جاویدان پیامبر اسلام (ص) است که اکنون در اختیار بشر قرار دارد. مفسران، وجوه اعجاز قرآن کریم را بیان کرده‌اند و مهم‌ترین وجه آن، اعجاز بیانی است که زیربنای آن فصاحت و بلاغت است. آنچه در این نوشتار مد نظر قرار دارد، مروری به درختواره بلاغی قرآن است که توسط محققان گروه قرآن مرکز نور تدوین شده است.

کلیدواژگان: درختواره، اعجاز بیانی، فصاحت، بلاغت، علم معانی، علم بیان، علم بدیع.

مقدمه

بی‌تردید، قرآن کریم بزرگ‌ترین معجزه دین اسلام است. مفسران معتقدند این کتاب از جنبه‌های گوناگون معنوی و لفظی اعجاز، بهره‌مند است. از نظر اعجاز معنوی، قرآن حاوی: غیب‌گویی‌ها، جامعیت و فراگیری مفاهیم و قوانین آن، استقلالی بودن سبک و مفاهیم و تعابیر آن، پیشگویی‌های علمی، پیراسته بودنش از اختلاف و عیب، پیوسته تازه بودن و... است (معرفت، ۱۳۸۶: ۴، ۲۹ و ۳۰).

اعجاز لفظی قرآن نیز وجوه متعددی را شامل می‌شود؛ نظیر اعجاز عددی و نظم آهنگین؛ اما مهم‌ترین وجه آن، اعجاز بیانی است که زیربنای آن فصاحت و بلاغت است. اعجاز بیانی، همان رسا بودن تعبیرات، موزون بودن کلمات و جمله‌بندی‌ها، شیرینی بیان و نفوذ خارق‌العاده آن در نفوس تعبیر می‌شود. در

این نوشتار، بر آن هستیم تا با تبیین درختواره بلاغی قرآن، گامی نو در تبیین اعجاز بیانی قرآن برداریم (مودب، ۱۳۷۹: ۱۶۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۳۸).

درختواره بلاغی قرآن

محققان گروه قرآن، پس از آماده‌سازی تجزیه همه کلمات قرآن و ترکیب نحوی آنها، تصمیم به تدوین درختواره‌ای جامع گرفتند تا علاوه بر جمع‌آوری تمامی عناوین بلاغی در غالب نرم‌افزاری، تمامی آیاتی که دارای نکات بلاغی هستند را با تکیه بر تفاسیر ادبی و بلاغی متذکر شوند. این درختواره، با محوریت کتاب مطول و مختصر تفتازانی و با بهره‌گیری از ۹ کتاب بلاغی دیگر، تدوین شد. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: اسرار البلاغه فی علم البیان، عبدالقاهر جرجانی؛ ترجمه اسرار البلاغه فی علم

البیان، عبدالقاهر جرجانی؛ الفوائد المشوق الی علوم القرآن و علم البیان، ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی‌بکر؛ الإيضاح فی علوم البلاغة، الخطیب القزوینی؛ جواهر البلاغة، احمد الهاشمی؛ تهذیب البلاغة، دکتر عبدالهادی فضلی؛ علوم البلاغة، دکتر محمد احمد قاسم و دکتر محیی‌الدین ادیب؛ علوم البلاغة، احمد مصطفی مراغی؛ الأطول فی علوم البلاغة، عصام‌الدین ابراهیم بن محمد اسفراینی؛ المعجم المفصل فی علوم البلاغة، انعام فوال عکاوی.

همچنین، با بهره‌مندی از ۱۴ تفسیر ادبی و بلاغی تمامی آیات قرآن که دارای عنوان بلاغی است، به برگ‌های درختواره متصل شده است. این کتب، عبارت‌اند از:

إعراب القرآن و بیانه، محی‌الدین درویش؛ الجدول فی اعراب القرآن، محمود صافی؛ اعراب القرآن، ابراهیم بن سری زجاج؛ اعراب

* پژوهشگر گروه قرآن مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.



حفظ منافع مردم و رعایت مصلحت آنان، چیز دیگری نمی‌خواهد و اگر مردم به این دستور عمل کنند، چیزی عاید خداوند نمی‌شود. به علاوه، در این جمله، کلمه «قصاص» معرفه، و کلمه «حياة» نکره آمده است تا دلالت کند بر اینکه نتیجه قصاص و برکات آن، دامنه‌دارتر و عظیم‌تر از آن است که با زبان گفته شود و این مفاهیم، همه در این جمله به صورت ایجاز نهاده شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۳۳).

- ابواب علم بیان:

«بیان» در لغت، به معنای کشف (نمایان ساختن)، ایضاً (آشکارکردن) و ظهور است و در اصطلاح، عبارت از قواعدی است که گوینده بتواند با آنها واضح‌ترین الفاظی که مقصودش را بیان می‌کند، مطابق با مقتضای حال بگوید (عرفان، ترجمه و شرح جواهر البلاغة، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۳۶).

ابواب علم بیان، عبارت‌اند از: باب «تشبیه»، «مجاز و استعاره» و «کنایه».

به عنوان نمونه، در زیرشاخه «مجاز و استعاره»، به برگ «الاستعارة التمثيلية التخييلية» این آیه متصل شده است: «فَمَا

«وصل» و «فصل»، «ایجاز و اطناب و مساواه» (تفتازانی، مختصر المعانی، ۱۳۷۶: ۲۸).

به عنوان نمونه، در شاخه «ایجاز و اطناب و مساواه»، زیرشاخه ایجاز دارای دو برگ است؛ یکی ایجاز قصر و دیگری ایجاز حذف. ایجاز قصر، متصل به ۱۰ آیه شده است؛ از جمله آیه ۱۷۹ سوره بقره که خداوند می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ». در اینجا خداوند با استفاده از آرایه ایجاز قصری، بیان می‌کند که مصلحت عموم، تنها با قصاص تأمین می‌شود؛ نه بخشش و دیه و نه هیچ چیز دیگر. همچنین، خداوند جز

با چیزی است که مقتضای حال (۱) آن را می‌طلبد. علاوه بر این، فصیح بودن واژه‌های مفرد و مرکب نیز در بلیغ بودن کلام شرط است. کلام بلیغ، سخنی است که متکلم، آن را به گونه‌ای متناسب با حالت‌های شنوندگان و مخاطبان شکل می‌دهد (تفتازانی، مختصر المعانی، ۱۳۷۶: ۱۴).

بلاغت، تنها وصف کلام و متکلم قرار می‌گیرد و صفت کلمه نمی‌شود؛ چون کلمه نمی‌تواند گوینده را به هدفش برساند (عرفان، ترجمه و شرح جواهر البلاغة، ۱۳۸۸، ج ۱: ۵۹ و ۶۰).

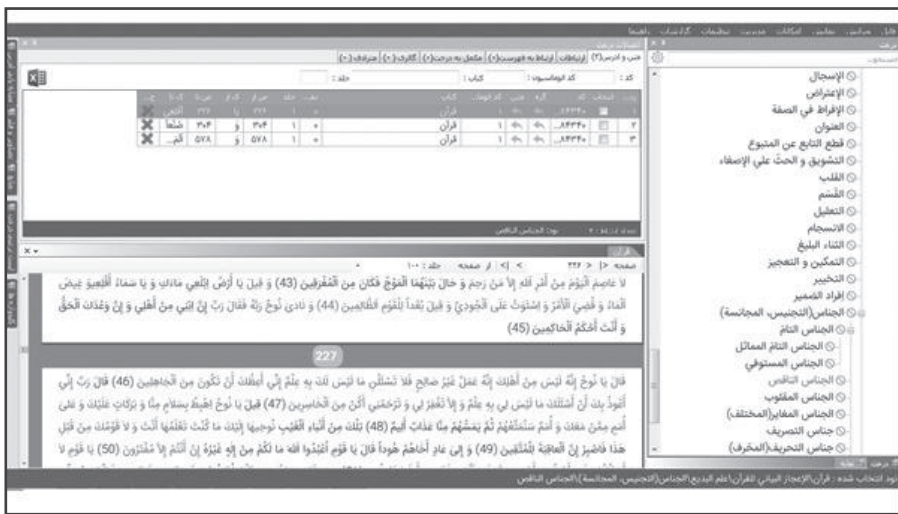
نمایی از شاخه بلاغت و زیرشاخه‌های آن

- ابواب علم معانی:

دانش معانی، قواعدی است که گوینده با به کارگیری آنها، سخن عربی را مطابق مقصود خویش و مقتضای حال، بیان کند؛ (۲) مثلاً برای مخاطب هوشمند، سخن را کوتاه آورده و برای کندفهم گسترده‌گویی کند (عرفان، ترجمه و شرح جواهر البلاغة، ۱۳۸۸، ج ۱: ۸۱؛ تفتازانی، مختصر المعانی، ۱۳۷۶: ۲۷).

علم معانی، ۹ زیرشاخه دارد: باب «خبر»، «انشاء»، «احوال مسند الیه»، «مسند»، «تقید»، «احوال متعلقات فعل»، «قصر»،





بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ» (الدخان: ۲۹). گریه آسمان و زمین، بر شیء ازدست‌رفته، کنایه تخیلی از متاثر شدن آن دو از فوت و نابودی آن شیء می‌باشد. در آیه مورد بحث، گریه نکردن آسمان و زمین بر قوم فرعون، کنایه از بی‌مقدار بودن آنان در نزد خدواند و همین‌طور، بی‌اثر بودن هلاکتشان در عالم طبیعت می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸: ۱۴۱).

- ابواب علم بدیع:

«بدیع» در لغت، چیزی است که بدون نمونه پیشین ایجاد شده باشد و در اصطلاح، علمی است که در آن شیوه‌های زیباسازی سخن بیان می‌شود. علاوه بر این، لازم است سخن با مقتضای حال، هماهنگ باشد و مقصود گوینده را از نظر لفظی و معنوی، به طور واضح بفهماند (تفتازانی، مختصر المعانی، ۱۳۷۶: ۲۶۵۰).

این باب، مجموعاً ۷۷ زیرشاخه دارد و مفصل‌ترین باب درختواره بلاغت است.

یکی از زیرشاخه‌های این باب، «جناس تام» بوده و یک برگ آن، «جناس تام مماثل» است که دارای ۵۷ ارتباط با آیات قرآن کریم است؛ از جمله آیه ۵۵ سوره روم: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيكُمْ» در این آیه، کلمه «اعْتَدَى» تکرار شده و جناس مماثل را نشان می‌دهد (درویش، ۱۴۱۵، ج ۹: ۴۵).

همچنین، از زیرشاخه‌های «جناس»، «جناس ناقص» است که جمعاً ۳ اتصال دارد؛ به عنوان نمونه، در آیه ۴۴ سوره هود: «وَ قِيلَ يَا اَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَ يَا سَمَاءُ اَقْلَعِي»، کلمه «ابْلَعِي» با «اَقْلَعِي» از لحاظ ظاهر هم‌شکل هستند و تفاوتشان فقط در فاء الفعل (قاف و باء) است (معرفت، ۱۳۸۶، ج ۵: ۹۶).

نتیجه

از منظر پژوهشگران، تدوین درختواره جامع

که معرفه بودن سخن را می‌طلبد و معرفه آوردن، مقتضی حال است (ترجمه و شرح جواهر البلاغة، ج ۱، ص ۸۱، پاورقی).

بلاغی، پدیده‌ای است که علاوه بر جمع‌بندی کتب تفسیری و بلاغی، توانسته است آیاتی را که تاکنون از لحاظ بلاغی مورد بررسی قرار نگرفته، روشن سازد. بهره‌مندی از تحلیل‌های بلاغی آیات قرآن جهت جست‌وجوی ترکیبی، دیگر مزیتی است که در آینده‌ای نزدیک در پایگاه جامع قرآن محقق می‌شود. محقق برای یافتن ترکیب عناوین بلاغی، می‌تواند از این موتور جست‌وجوگر بهره‌برد. همچنین، پژوهشگران می‌توانند تگ‌های نحوی و صرفی و بلاغی را با هم ترکیب کرده، در میان آیات به جست‌وجوی آن بپردازند. ■

پی‌نوشت‌ها

۱. حال خطاب (مقتضی حال)، چیزی است که واقعیت، ما را به سوی آن می‌خواند؛ یعنی شکل ویژه‌ای از سخن که لازمه کلام و حالات مخاطب است. کلام، مطابق با حال نمی‌شود، مگر هنگامی که متناسب با خرد مخاطبان و پایگاه آنان در بلاغت و توانشان در بیان و گفتار باشد. بنابراین، برای توده مردم، سخنی شایسته است که کلام دیگر در آن موقعیت بایسته نیست و برای مهتران و بزرگان جامعه، شیوه ویژه‌ای به کار می‌آید که دیگر نمی‌توان چیزی را جایگزین آن ساخت (ترجمه و شرح جواهر البلاغة، ج ۱، ص ۵۹ و ۶۰).
۲. حال، واقعیتی است که سخنگو را وادار می‌کند تا در سخنش، خصوصیتی را به‌کارگیرد و این خصوصیت، مقتضی حال است؛ مثلاً اگر بین تو و مخاطب تو، چیزی آشنا باشد، آن آشنایی، حالی است

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. تفتازانی، مسعودین عمر. ۱۳۷۶ش. مختصر المعانی. قم: دار الفکر، سوم.
۳. _____. ۱۴۱۶ق. کتاب المطول و بهامشه حاشیه‌السیّد میر شریف. قم: مکتبه‌الدوری، چهارم.
۴. درویش، محی‌الدین. ۱۴۱۵ق. اعراب القرآن الکریم و بیانه. حمص: الارشاد، چهارم.
۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. الإیتقان فی علوم القرآن. بیروت: دار الکتب العربی، دوم.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۹۰ق. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، دوم.
۷. عرفان، حسن. ۱۳۷۹ش. شیوه‌های اعجاز قرآن. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، اول.
۸. _____. ۱۳۸۸ش. ترجمه و شرح جواهر البلاغة. قم: بلاغت، دهم.
۹. معرفت، محمدهادی. ۱۳۸۶ش. التمهید فی علوم القرآن. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، سوم.
۱۰. مؤدب، سید رضا. ۱۳۷۹ش. اعجاز قرآن. قم: احسن الحدیث، پنجم.